

دانشگاه فرهنگیان

فصلنامه علمی تخصصی

پژوهش در آموزش مطالعات اجتماعی

دوره اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۸

عوامل مؤثر بر آگاهی شهروندان از مفهوم حقوق شهروندی

داریوش رضاپور^۱، علیرضا گلستانی^۲

ارسال: ۱۳۹۸/۰۳/۰۲

محمد غلامی^۳، حسن سعادت پور^۴

پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۰

چکیده

حقوق شهروندی آمیخته‌ای از وظایف و مسئولیت‌های افراد در قبال یکدیگر، شهر و دولت است و شامل حقوق سیاسی، مدنی، اجتماعی، فرهنگی و جنسیتی می‌شود. پژوهش حاضر با هدف بررسی آگاهی شهروندان از مفهوم حقوق شهروندی در بین شهروندان شهر خورموج انجام شده است. این پژوهش که با روش پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته انجام گرفته، جامعه آماری آن شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن شهر خورموج در سال ۹۵ می‌باشند. حجم نمونه‌ی آن ۳۸۱ نفر است که با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده‌اند. روایی و اعتبار به کمک آلفای کرونباخ و اعتبار صوری حاصل گردید و همچنین برای تحلیل نتایج داده‌های پژوهش از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که بین متغیرهای زمینه‌ای و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معنی‌داری وجود ندارد؛ اما بین متغیرهای رسانه‌های جمعی، حقوق مدنی، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی، مشارکت اجتماعی و متغیر آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معنی‌داری در سطح $(P < /0.000)$ و با ۹۹ درصد اطمینان وجود دارد.

۱- استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، ایران (d.rezapour@com)

۲- استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، ایران (ali56golestani@gmail.com)

۳- استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، ایران (gholami556@gmail.com)

۴- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مطالعات فرهنگی، دانشگاه پیام نور، ایران (نویسنده مسئول)

(hnsadat@chmail.ir)

واژگان کلیدی: شهروندی، رسانه‌های جمعی، حقوق اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شهر
خورموج



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

شهروندی به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی مدرن از مؤلفه‌های محوری نظام‌های سیاسی دموکراتیک و شاخصی برای نشان دادن تحقق دموکراسی در یک جامعه مدرن است (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳). این مفهوم که عمری به درازی تاریخ بشریت دارد؛ یکی از بحث برانگیزترین واژه‌ها در جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و علم حقوق است که اغلب خوراک رسانه‌های بین‌المللی را تشکیل می‌دهد و یکی از مؤلفه‌های ضروری تحقق دموکراسی‌های امروزه می‌باشد؛ زیرا که بدون وجود جمعیت یک کشور نمی‌تواند ایجاد و اعلام حکومت کند و بلکه کشورها در طول تاریخ بر پایه شهروندان خود استوار بوده‌اند. علامه دهخدا شهروند را «کسی که جزء یک شهر یا ناحیه یا کشور به حساب بیاید و تابع مقررات آن باشد و از حقوق آن برخوردار شود» (دهخدا، ۱۳۸۵) تعریف می‌کند؛ از این تعریف سه نکته استنباط می‌شود اول این که شهروند به کسی گفته می‌شود که جزء شهر یا ناحیه و یا کشور باشد. نکته دوم تابع مقررات آن کشور باشد و سوم و مهم‌ترین آن از حقوق برخوردار باشد و شهروندی بدون برخورداری از حقوق امکان‌پذیر نیست؛ در این که شهروندی دربردارنده حقوق و تکالیفی برای اعضاء آن است شکی نیست. این مفهوم دارای رابطه چند سویه و متقابل بین اعضاء جامعه با یکدیگر و اعضاء حاکمیت کشور است.

بهترین حالت تحقق مفهوم شهروندی توجه به تکالیف و مسئولیت‌ها است که خود لازمه شهروندانی فعال و مشارکت‌گر در فرآیند توسعه پایدار است؛ برای تحقق این فرایند باید به مفهوم حقوق شهروندی توجه کرد مفهومی که یکی از مهم‌ترین مفاهیم در حوزه‌های علم حقوق، جامعه‌شناسی و حتی علوم سیاسی جهان را در حال حاضر به خود اختصاص داده است و بنا به تعریفی حقوق شهروندی مجموعه امتیازات و اختیاراتی است ناشی از وضعیت و حالتی که بر عضویت یک فرد در جامعه سیاسی دلالت می‌کند (صداقت، ۱۳۸۴).

منظور از حقوق شهروندی مجموعه‌ای از حقوق و تکالیفی است که در قوانین هر کشور، منشور سازمان ملل و اعلامیه‌های حقوق بشر، به منظور آگاهی و مطالبات اتباع آن کشور در نظر گرفته است و دامنه آن هر روز گسترده‌تر می‌شود. وجود حقوق و تکالیف رابطه

دوبعدی را که مستلزم مشارکت و فعالیت شهروندان و حاکمیت باهم است به وجود می‌آورد و این تحقق نمی‌یابد مگر شهروندان آن را مطالبه کنند و مسئولین هم آموزش این حقوق و تکالیف را در اولویت برنامه‌های خود قرار دهند چون یکی از مؤلفه‌های ضروری دموکراسی در هر کشوری وجود شهروندانی آگاه به حقوق خود و وظایف خود نسبت به دیگر اعضاء جامعه و مهم‌تر از آن حاکمیت است. با شهروندانی آگاه می‌توان به نسل آینده امیدوار بود چون نسل حاضر هستند که نسل آینده را تربیت و آماده برای اداره کشور می‌کنند.

چه بسا آگاهی از حقوق و تکالیف باعث کاهش بسیاری از هزینه‌ها از جمله هزینه‌های حقوقی، قضایی، انتظامی و اجتماعی می‌شود. پس آگاهی از حقوق شهروندی در مدیریت شهری، توسعه پایدار هر کشوری، تربیت نسلی خوش‌بین به آینده و آماده قبول مسئولیت برای اداره جامعه و کاهش جرم و جنایت در جامعه نقش به‌سزایی دارد و امید به زندگی را بین افراد جامعه بیشتر می‌کند. با توجه به مطالبی که گفته شد این پژوهش به دنبال بررسی عوامل مؤثر بر آگاهی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر خورموج از مفهوم حقوق شهروندی است؟

پیشینه تحقیق

پیشینه داخلی

محمدی و تبریزی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «سنجش میزان آگاهی‌های عمومی به حقوق شهروندی و قوانین شهری»، نشان دادند که میزان آگاهی در مورد حقوق شهروندی در بین گروه سنی ۲۰ تا ۳۵ سال شهرهای ساری، بابل، آمل و قائم‌شهر بسیار اندک است. از سوی دیگر شاخص مذکور با جنس و تغییرات سنی شهروندان ارتباط معناداری داشته و میزان تحصیلات دانشگاهی بر این شاخص تأثیرگذار نیست.

کلدی و پوردهناد (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی میزان آگاهی و نگرش دانشجویان نسبت به حقوق شهروندی در تهران» نشان دادند که بین محل تولد و سکونت و میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی بین کسانی که از ابتدا در تهران متولد شده و زندگی می‌کنند، با افرادی که در شهرهای کوچک به دنیا

آمده و برای ادامه تحصیل به تهران آمده‌اند؛ در میزان آگاهی از حقوق شهروندی تفاوت وجود دارد. بین متغیرهای مستقل جنس و پایگاه اقتصادی-اجتماعی دانشجویان و متغیر وابسته آگاهی از حقوق شهروندی و نیز نگرش نسبت به حقوق شهروندی رابطه ضعیفی وجود دارد.

شارع‌پور و شعبانی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی از میزان آگاهی شهروندی شهروندان نسبت به امور شهری» نشان دادند که متوسط بودن میزان آگاهی شهروندی شهروندان نسبت به امور شهری است که سهم آگاهی مردان بیشتر از زنان می‌باشد. متغیر رسانه‌های جمعی و مشارکت در نهادهای مدنی معنادار بوده و رسانه‌های جمعی، مهم‌ترین تبیین‌کننده آگاهی شهروندی نسبت به امور شهری می‌باشد. متغیرهای زمینه‌ای معنادار می‌باشند و تطابق یافته‌های این متغیرها دلالت بر ضعف آگاهی در میان جوانان است.

سام آرام و برزگر پاریزی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی احساس برخورداری از حقوق شهروندی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در بین جوانان ۱۵-۲۹ سال شهر سیرجان» نشان می‌دهند که احساس برخورداری از حقوق شهروندی در بین جوانان در سطح متوسط است و هم‌چنین میزان حضور فرد در حوزه عمومی، نوع جامعه‌پذیری فرد در خانواده و میزان استفاده از رسانه‌های داخلی و خارجی بر احساس برخورداری از حقوق شهروندی جوانان تأثیر گذارند.

پیشینه خارجی

بابوک (۲۰۰۳)، در مقاله‌ای با عنوان: شهروندسازی شهری، با توجه به پیامدهای سیاسی شهروندی در سطح دولت - ملت از ضرورت توجه به شهروندی در سطح شهری یاد می‌کند و معتقد به شهروندسازی شهری از طریق اقداماتی چون: استفاده از توان مشارکتی شهروندان برای تصمیم‌گیری، توجه به دولت‌شهر جای دولت ملت، بسط دموکراسی ملی از طریق دموکراسی شهری تن دادن به الزامات کثرت‌گرایی فرهنگی از خلال شهروندی شهری است چراکه گسترش دایره‌ی شهروندی از خلال شهروندی شهری است.

برون و کریستینسن^۱ (۲۰۰۹)، در پژوهشی با عنوان «سیاست گذاری های شهری و حق نسبت به شهر: حقوق وظایف و شهروندی» معتقدند شهروندی شهری شامل تمام افرادی است که فارغ از بومی بودن، بومی نبودن و اختلاف های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، زبانی، تاریخی، ساکن شهر هستند. آنان از حقوق و وظایف برابر در شهر برخوردارند. بر این اساس حس تعلق به شهر و مسئولیت در برابر آن؛ داشتن حق و مسئولیت متقابل نسبت به هم و به شهر شورای شهر و شهرداری؛ داشتن هویت مشترک شهری از محل زندگی به عنوان محور تمام فعالیت ها و مسئولیت ها و مشارکت جدی در تمام صحنه های زندگی شهری است.

کافه و لیپه (۲۰۰۹) در پژوهش خود با عنوان «هنجارهای شهروندی در اروپای شرقی»، معتقد هستند که عموماً در پژوهش های اجتماعی، شهروندان اروپای شرقی سطح پایین تری از درگیری سیاسی - مدنی را نسبت به اروپای غربی و آمریکا نشان داده اند. به طور نظری این تفاوت به عنوان ماحصل حضور چند دهه ای کمونیسم در این کشورها توصیف شده است اما کار تجربی چندانی درباره پندار خود شهروندان اروپای غربی از هنجارهای شهروندی و تعریف ایشان از شهروند خوب انجام نشده است. لذا تعریف خود شهروندان، از شهروند خوب در چهار کشور اروپای شرقی یعنی جمهوری چک، مجارستان، لهستان و اسلونی مورد مطالعه قرار گرفته است.

ملاحظات نظری

مارکس و حقوق شهروندی

مارکس با زیربنا قرار دادن اقتصاد و تأثیر آن بر نقش های اقتصادی افراد، جامعه را با دو طبقه حاکم و زیردست مشخص می کند و عرصه جامعه را عرصه مبارزه همیشگی این دو طبقه دانسته و عنوان می کند طبقات اجتماعی بازیگران واقعی در فرآیند تاریخ بوده و تحولات ملی و محلی صرفاً جنبه ای از این فرآیند به شمار می آید. مارکس جامعه مدنی را همان بورژوازی می داند که عرصه مبتنی بر بازار و مالکیت خصوصی است. اعلامیه حقوق بشر و شهروندی نیز صورت ظاهری برای پنهان کردن واقعیت و نقابی بر

نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی است. به‌زعم مارکس شهروندی انقیاد اقتصادی- اجتماعی و عملی محرومان است که باید اصلاح شود. براین اساس افرادی که پایگاه اقتصادی پایینی دارند، آگاهی کمتری از حقوق خود دارند و از طرفی دارای حقوق شهروندی نیستند؛ لذا باید با آموزش شهروندان و آگاه کردن آنان از حقوقشان در جهت ایجاد جامعه‌ای بدون طبقه گام برداشت (شیانی، ۱۳۸۱).

هابرماس و شهروندی

هابرماس در نظریه خود ارائه تعریفی از شهروند، شهروندی و حقوق اساسی یک شهروند می‌پردازد. از نظر او، شهروند به فردی اطلاق می‌شود که از حقوق مدنی، اجتماعی و سیاسی برخوردار باشد. شهروندسازی مستلزم حق تعیین سرنوشت توسط افراد جامعه است. چنانچه افراد جامعه حقی در تعیین سرنوشت و آینده خود نداشته باشند؛ شهروند محسوب نمی‌شوند. فرهنگ سیاسی حاکم بر جامعه شهروندی از نوع «فرهنگ مشارکتی» است. در فرهنگ مشارکتی افراد جامعه به‌صورت نهادمند در تعیین سرنوشت خویش مشارکت داده می‌شوند. نقطه مقابل فرهنگ مشارکتی فرهنگ انفعالی یا تبعی محسوب می‌شود. تقلید کورکورانه^۱ و انفعالی از تحولات محیطی از ویژگی‌های فرهنگ سیاسی تبعی- انفعالی محسوب می‌شود. شهروند نسبت به پیرامون خود به رفتار تعاملی می‌پردازد، در تعامل اجتماعی هویت مدنی ساخته می‌شود و ذهن شهروند از نوع استدلالی- استقرایی شکل می‌گیرد. سنجش شهروند از محیط بر اساس عقلانیت است و شهروند زبان را به‌عنوان ابزار خود برای اقناع دیگری در حوزه روابط اجتماعی بر زور و سلطه ترجیح می‌دهد. قانون‌مندی رفتاری از ویژگی‌های دیگر شهروندی محسوب می‌گردد. زندگی شهروندی خود را بر اساس تساهل، تسامح و تکثرگرایی عقیدتی سازمان‌دهی می‌نماید. در این راستا آزادی بیان جزء لاینفک زندگی مدنی شهروندی قلمداد می‌گردد. آزادی بیان خود را مادر تمام آزادی‌های فردی و اجتماعی می‌داند. آزادی بیان یعنی اینکه شهروندان بتوانند عقاید فلسفی، سیاسی و مذهبی خود را بدون ترس در حوزه عمومی و رسمی بیان نمایند. به گفته یورگن هابرماس، حوزه

عمومی سالم، حوزه گفتگوی آزاد و برابر در عرصه اجتماع است. بدون آزادی بیان نمی‌توان بالندگی شهروندی را منتظر بود. از نظر هابرماس حق مدنی، اجتماعی و سیاسی شهروندی وجود دارد (شهریاری و همکاران، ۱۳۹۵).

وبر: شهر، شهروندی و دموکراسی

مارکس وبر شهروندی را به لحاظ تاریخی با رشد دولت-شهرهای یونان باستان در ارتباط می‌داند. جایی که فضایی عمومی برای ارتباط آزاد و عقلانی میان کنشگران اجتماعی فراهم می‌ساخت مفهوم شهر و تکامل تاریخی هرم‌های مستقل در تکوین نوعی تفکر تلفیقی در مورد آزادی، فردیت، مدنیت نقش حیاتی داشته است. از نظر وبر، شهروندی در شهرها شکل گرفته است و در حقیقت وابسته به مصلحت‌اندیشی و تدابیری بود که شهر به‌عنوان یک اتحادیه‌ی ایستایی و آیین جمعی که اعضای آن بر اساس مالکیت زمین شهری و برخورداری از امور، وظایف و امتیازات ویژه معین می‌شدند، متعهد به در نظر گرفتن آن‌ها بود. از نظر او شهروند بودن به معنای توانایی مشارکت مردم در تصمیم‌گیری، تنظیم سیاست‌ها و نیز شرکت داشتن در انتخاب رهبران بود و امتیازات ویژه‌ی آن‌ها شامل حق شهروندی به انضمام انحصار بازار، حقوق تجارت آزاد، جواز مبادله و حق کاهش دادوستد رقابت‌آمیز، مشارکت در امور قضایی و موقعیت‌های ویژه برای مقاصد چون اهداف نظامی بود. از نظر حقوق اقتصادی مهم‌ترین امتیازات مدنی در قالب حقوق صوری به معنای حق داشتن انجمن‌های نیمه آزاد شهروندان نبود، بلکه ضامن مالکیت اربابی شهر به شمار می‌آمد. بنابراین، وبر بیشتر بر حق سیاسی شهروندان مانند حق رأی و انتخاب نمایندگان توجه داشته است و مشارکت شهروندان را رکنی اساسی در این زمینه می‌داند (ذکائی، ۱۳۸۰).

دارندورف و شهروندی

دارندورف از نظریه‌پردازان انتقادی معتقد است که شهروندی را با مدرنیته پیوندی نزدیک است و نقش شهروندی را مجموعه‌ای حقوق برابر برای کسانی که آن را دارا هستند؛ می‌داند. برابری و ماهیت حقوقی پایگاه و شهروندی دو چیز متفاوت است. شهروندی حق دفاع

از یکپارچگی فردی است و فرصتی برای مشارکت در زندگی اجتماعی است. بر این اساس، دارندورف کار خود را بر تمایز بین دو نوع حقوق افراد بنا می‌نهد:

۱- حقوق اولیه یا اساسی: که دربرگیرنده حقوق بشر، حقوق مدنی و پیامدهای دموکراتیک آن‌هاست.

۲- حقوق ثانویه: که شامل حقوق اجتماعی است و به مردم تا آن‌جا اختیار می‌دهد که بتوانند از حقوق اساسی خود استفاده کنند (شیانی، ۱۳۸۴).

مارشال^۱ و شهروندی

مارشال برای شهروندی سه عنصر قائل می‌شود، حقوق مدنی ناظر است بر آزادی در انعقاد قرارداد و مالکیت اموال (و بنابراین دلالت دارد در برابری در مقابل قانون) و نیز آزادی تجمع، بیان و اندیشه. حقوق مدنی شامل موارد زیر می‌شود:

۱- آزادی و مصونیت از تعرض برای شخص؛

۲- آزادی بیان؛

۳- آزادی مذهب؛

۴- حمایت از شخص در برابر اقدامات غیرقانونی دولت همچون حبس یا کار اجباری؛

۵- برابری در قبال قانون؛

۶- ممنوعیت تبعیض بر اساس جنس، نژاد، منشأ، زبان و عقیده (گیدنز، ۱۳۸۳).

پارسونز^۲ و شهروندی

جهت‌گیری‌های نظری شهروندی پارسونز حول محور متغیرهای الگویی (جهت‌گیری‌های ارزشی کنش‌گران اجتماعی در انجام کنش‌های اجتماعی) که همراه با انتخاب یکی از جهت‌گیری‌های دوگانه است شکل گرفته‌اند. نظریه شهروندی پارسونز را می‌توان به شکل زیر خلاصه کرد:

1 -T.H Marshall

2 -Talcott Parsons

۱- مدرنیته را می‌توان بر اساس چهار متغیر الگویی عام‌گرایی، اکتساب، بی‌طرفی ارزشی و جمع‌گرایی که نقطه مقابل متغیرهای الگویی اجتماع سنتی یعنی خاص‌گرایی، انتساب، جهت‌گیری ارزشی و فردگرایی است تعریف کرد.

۲- بر اساس این تعریف، تحلیل مدرنیته در قالب تفکیک اجتماعی جامعه مدرن به بخش‌های مستقل و به‌علاوه تحول هم‌شکلی‌های ارزش‌هایی که موجب متعهد شدن افراد جامعه مدرن به معیارهای عام‌گرایی، بی‌طرفی ارزشی و اکتساب می‌شوند، صورت می‌گیرد.

۳- بر مبنای این تحلیل، مدرنیته عبارت است از انتقال جامعه از وضعیت مبتنی بر منزلت به جامعه مبتنی بر قرارداد.

۴- در نتیجه شهروندی را می‌توان توسعه مدرنیته، یعنی انتقال اعضای جامعه از وضعیت مبتنی بر منزلت به وضعیت مبتنی بر قرارداد، تلقی کرد. #

به باور او شهروندی مجموعه‌ای از کردارهای اجتماعی است که عضویت اجتماعی در جامعه‌ای را که به‌صورت فوق‌العاده تفکیک‌شده و این تفکیک در دو بعد نهادهای اجتماعی و فرهنگ صورت گرفته و در آن انسجام اجتماعی می‌تواند فقط بر مبنای معیارهای عام‌گرایانه و عمومی سامان داده شود نشان می‌دهد. بر اساس این تعریف شهروندی پارسونزی در نقطه مقابل صورت‌های تعهد خاص‌گرایانه به خانواده، شبکه خویشاوندی، وفاداری‌های محلی و قومی قرار می‌گیرد؛ یعنی جهت‌گیری‌ها و ارزش‌های اجتماعی که مبنای کردارهای اجتماعی، عضویت اجتماعی و انسجام اجتماعی در اجتماع سنتی است؛ بنابراین شهروندی در تئوری توسعه مدرنیته پارسونز با سه مقوله کلیدی کردارهای اجتماعی، عضویت اجتماعی و انسجام اجتماعی» پیوند تنگاتنگ دارد (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰).

بنکس^۱ و شهروندی

بنکس شهروندی را در چهار سطح به هم مرتبط تقسیم‌بندی می‌کند: اولین سطح شهروندی قانونی^۲ می‌باشد که پایین‌ترین سطح شهروندی به حساب می‌آید. در این سطح شهروندانی هستند که اعضای قانونی دولت- ملت هستند و از وظایف و حقوق خاصی برخوردارند و یکی

1 -Banks

2- Legal Citizen

از ویژگی‌های این نوع شهروندی درگیر نشدن در نظام سیاسی است. دومین سطح شهروند حداقلی^۱ است که شهروندان قانونی محسوب می‌شوند و در فرایند انتخابات محلی و ملی شرکت می‌کنند و به کاندیداها و اشخاص رأی می‌دهند. سومین سطح شهروندی فعال^۲ است که در ضمن شرکت در رأی‌گیری در راستای بالفعل نمودن قوانین و مقررات موجود و اجرای آن نیز فعالیت می‌کنند. این نوع شهروندی در فعالیتهای اعتراضی در خصوص مسائل جاری، تغییر و تحولات و اصلاحات شرکت می‌کنند.

چهارمین سطح شهروندی تحولی^۳ است که شامل فعالیتهای مدنی می‌شود که برای بالفعل کردن ارزش‌ها، اصول اخلاقی و مقررات فراسوی قوانین و مقررات جاری در جهت اجرای عدالت اجتماعی می‌باشد؛ و حتی شاید این کارشان قوانین و مقررات جاری را به چالش بکشاند و یا موجب لغو آن شوند (بنکس، ۲۰۰۸).

فرصیه‌های پژوهش

- (۱) به نظر می‌رسد بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنسیت، وضعیت تأهل و میزان تحصیلات) و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه‌ای معنادار وجود دارد.
- (۲) به نظر می‌رسد بین رسانه‌های جمعی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه‌ای معنادار وجود دارد.
- (۳) به نظر می‌رسد بین آزادی‌های مدنی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه‌ای معنادار وجود دارد.
- (۴) به نظر می‌رسد بین حقوق اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه‌ای معنادار وجود دارد.
- (۵) به نظر می‌رسد بین حقوق سیاسی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه‌ای معنادار وجود دارد.
- (۶) به نظر می‌رسد بین مشارکت اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه‌ای معنادار وجود دارد.

روش تحقیق

برای انجام هر تحقیق یا پژوهش به روش‌های تحقیق نیاز است تا بتوان به داده‌های موردنظر دست‌یافت و از طریق داده‌های به‌دست‌آمده به نتایج تحقیق رسید. با توجه به موضوع پژوهش این تحقیق از نوع توصیفی و پیمایشی است. جمع‌آوری داده‌ها بر اساس

1- Minimal Citizen

2 -Active citizen

3 -Transformative Citizen

پرسشنامه‌ای محقق ساخته بوده است. در این پژوهش علاوه بر استفاده از پرسشنامه از روش اسنادی و مطالعه کتابخانه‌ایی نیز جهت بررسی نظریه‌ها و مبانی نظری و منابع بهره گرفته‌ایم. جامعه آماری پژوهش طبق آمار به‌دست آمده از سرشماری سال ۹۵ برابر با ۳۲۵۰۰ نفر می‌باشد. حجم نمونه این پژوهش بر اساس فرمول کوکران ۳۸۱ نفر می‌باشد. با توجه به سنجش میزان آگاهی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر خورموج از مفهوم حقوق شهروندی و برای اینکه تمام افراد جامعه مورد مطالعه به احتمال مساوی در فرایند نمونه‌گیری انتخاب شوند ما در این پژوهش از نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده کرده‌ایم. بر اساس نتایج به‌دست آمده از آلفای کرونباخ همه متغیرهای پژوهش از اعتبار مناسبی برخوردار هستند ضریب آلفای متغیر رسانه‌های جمعی ۰/۶۹، حقوق مدنی ۰/۷۰، حقوق اجتماعی ۰/۷۱، حقوق سیاسی ۰/۶۸ و مشارکت اجتماعی ۰/۸۷ می‌باشد. در نهایت داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌های پژوهش

الف: آماره‌های توصیفی

طبق یافته‌ها، از مجموع افراد پاسخ‌دهنده، ۵۲/۸ درصد مرد و ۴۷/۲ درصد زن می‌باشند. ۴۷/۵ درصد از پاسخگویان سن آن‌ها ۱۸ تا ۳۰ سال، ۳۲/۵ درصد ۳۱ تا ۴۰ سال، ۱۵/۷ درصد ۴۱ تا ۵۰ سال، ۴/۲ درصد نیز ۵۱ ساله و بیشتر می‌باشند. ۳۷ درصد از پاسخگویان مجرد و ۶۳ درصد نیز متأهل می‌باشند. ۲۰/۷ درصد از پاسخگویان کارمند، ۲۱/۸ درصد آزاد، ۱۸/۱ درصد در حال تحصیل، ۱۱/۵ درصد دانشجو، ۲۴/۱ درصد خانه‌دار و ۳/۷ درصد بازنشسته می‌باشند. ۱۷/۱ درصد از پاسخگویان کمتر از دیپلم، ۲۷/۳ درصد دیپلم، ۱۹/۷ درصد فوق دیپلم، ۲۹/۴ درصد لیسانس و ۶/۶ درصد فوق لیسانس و بالاتر می‌باشند.

ب- آماره‌های استنباطی

فرضیه ۱- «بین جنسیت و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معنی‌داری وجود دارد». همان‌طور که در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌گردد اختلاف مشاهده‌شده بین میانگین آگاهی از حقوق شهروندی در بین شهروندان مرد و زن بالای ۱۸ سال شهر خورموج بر اساس نتایج

آزمون t در سطح ($P < /4$) معنی دار نیست؛ بنابراین با توجه به میانگین به دست آمده جنسیت افراد تأثیری در میزان آگاهی آن‌ها از حقوق شهروندی‌شان ندارد؛ بنابراین بر اساس سطح معنی داری به دست آمده فرضیه فوق رد گردید.

جدول شماره ۱- مقایسه آگاهی از حقوق شهروندی در بین زنان و مردان

جنسیت	تعداد	انحراف معیار	درجه آزادی	t مقدار	F مقدار	سطح معنی داری
مرد	۲۰۱	۱۰/۴	۳۷۹	۳/۶۳۴	۰/۵۸۰	۰/۴
زن	۱۸۰	۱۰/۲				

فرضیه ۲- «بین سن و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معنی داری وجود دارد». همان‌طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود ضریب همبستگی پیرسون بیانگر رابطه خیلی ضعیفی بین متغیر رسانه‌های جمعی و آگاهی از حقوق شهروندی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر خورموج است به عبارتی هر چه سن شهروندان بالاتر باشد به نسبت ضعیفی آگاهی آن‌ها از حقوق شهروندی خویش بیشتر می‌شود. بر اساس سطح معنی داری به دست آمده این رابطه در سطح ($P < /2$) و با ۹۵ درصد اطمینان از لحاظ آماری معنی دار نیست بنابراین، فرضیه فوق رد می‌گردد.

جدول شماره ۲- همبستگی بین متغیر سن و آگاهی از حقوق شهروندی

متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
سن	۰/۰۶۳	۰/۲
آگاهی از حقوق شهروندی		

فرضیه ۳- «بین وضعیت تأهل و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معنی داری وجود دارد». همان‌طور که در جدول شماره ۳ ملاحظه می‌گردد اختلاف مشاهده شده بین میانگین آگاهی از حقوق شهروندی در بین شهروندان مجرد و متأهل بالای ۱۸ سال شهر خورموج بر اساس نتایج آزمون t در سطح ($P < /9$) معنی دار نیست؛ بنابراین با توجه به میانگین به دست آمده وضعیت تأهل افراد تأثیری در میزان آگاهی آن‌ها از حقوق شهروندی‌شان ندارد؛ بنابراین بر اساس سطح معنی داری به دست آمده فرضیه فوق رد گردید.

جدول شماره ۳- مقایسه آگاهی از حقوق شهروندی برحسب وضعیت تأهل

وضعیت تأهل	تعداد	انحراف معیار	t مقدار	F مقدار	سطح معنی داری
مجرد	۱۴۱	۱۰/۶	۰/۲۳۱	۰/۰۰۴	۰/۹
متأهل	۲۴۰	۱۰/۵			

فرضیه ۴- «بین میزان تحصیلات و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معنی داری وجود دارد». همان طور که در جدول شماره ۴ ملاحظه می شود نتایج به دست آمده از تحلیل واریانس یک طرفه نشان می دهد که بین میانگین آگاهی از حقوق شهروندی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر خورموج برحسب وضعیت تحصیل آنها در سطح $(P < /1)$ اختلاف معناداری مشاهده نمی شود؛ بنابراین طبق سطح معنی داری به دست آمده فرضیه فوق رد گردید.

جدول شماره ۴- خلاصه گزارش تحلیل واریانس

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F مقدار	سطح معنی داری
بین گروه ها	۹۶/۸۲۹	۵۳	۱/۸۲۷	۱/۲۸۳	۰/۱
درون گروه ها	۴۶۵/۵۶۵	۳۲۷	۱/۴۲۴		
جمع	۵۶۲/۳۹۴	۳۸۰	-		

فرضیه ۵- «بین رسانه های جمعی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد». همان طور که در جدول شماره ۵ مشاهده می شود ضریب همبستگی پیرسون بیانگر رابطه خیلی قوی بین متغیر رسانه های جمعی و آگاهی از حقوق شهروندی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر خورموج است به عبارتی هر چه شهروندان بالای ۱۸ سال شهر خورموج از رسانه های جمعی بیشتر استفاده کنند به نسبت زیادی میزان آگاهی آنها از حقوق شهروندی خود بیشتر می شود. این رابطه در سطح $(P < /۰۰۰)$ و با ۹۹ درصد اطمینان از لحاظ آماری معنی دار است بنابراین، فرضیه فوق تأیید می گردد.

جدول شماره ۵- همبستگی بین متغیر رسانه‌های جمعی و آگاهی از حقوق شهروندی

سطح معنی داری	ضریب همبستگی	متغیرها	
		۰/۰۰۰	۰/۷۱۰**
		وابسته	آگاهی از حقوق شهروندی

فرضیه ۶- «بین حقوق مدنی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد». همان‌طور که در جدول شماره ۶ مشاهده می‌شود ضریب همبستگی پیرسون بیانگر رابطه متوسط و مثبت بین متغیر حقوق مدنی و آگاهی از حقوق شهروندی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر خورموج است بر اساس سطح معنی داری به‌دست آمده این رابطه در سطح $(P < /۰۰۰)$ و با ۹۹ درصد اطمینان از لحاظ آماری معنی دار است بنابراین، فرضیه فوق تائید می‌گردد.

جدول شماره ۶- همبستگی بین متغیر حقوق مدنی و آگاهی از حقوق شهروندی

سطح معنی داری	ضریب همبستگی	متغیرها	
		۰/۰۰۰	۰/۳۷**
		وابسته	آگاهی از حقوق شهروندی

فرضیه ۷- «بین حقوق سیاسی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد». همان‌طور که در جدول شماره ۷ مشاهده می‌شود ضریب همبستگی پیرسون بیانگر رابطه خیلی خوب و مثبت بین متغیر حقوق سیاسی و آگاهی از حقوق شهروندی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر خورموج است بر اساس سطح معنی داری به‌دست آمده این رابطه در سطح $(P < /۰۰۰)$ و با ۹۹ درصد اطمینان از لحاظ آماری معنی دار است بنابراین، فرضیه فوق تائید می‌گردد.

جدول شماره ۷- همبستگی بین متغیر حقوق سیاسی و آگاهی از حقوق شهروندی

سطح معنی داری	ضریب همبستگی	متغیرها	
		۰/۰۰۰	۰/۶۷۰**
		وابسته	آگاهی از حقوق شهروندی

فرضیه ۸- «بین حقوق اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد». همان‌طور که در جدول شماره ۸ مشاهده می‌شود ضریب همبستگی پیرسون بیانگر رابطه خوب و مثبت بین متغیر حقوق اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر خورموج است بر اساس سطح معنی‌داری به‌دست آمده این رابطه در سطح $(P < /0.000)$ و با ۹۹ درصد اطمینان از لحاظ آماری معنی‌دار است بنابراین، فرضیه فوق تأیید می‌گردد.

جدول شماره ۸- همبستگی بین متغیر حقوق اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی

سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی	متغیرها	
		مستقل	حقوق اجتماعی
وابسته	آگاهی از حقوق شهروندی		

فرضیه ۹- «بین مشارکت اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد». همان‌طور که در جدول فوق شماره ۹ مشاهده می‌شود ضریب همبستگی پیرسون بیانگر رابطه خوب متوسط و مثبتی بین متغیر مشارکت اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی است. بر اساس سطح معنی‌داری به‌دست آمده این رابطه در سطح $(P < /0.000)$ و با ۹۹ درصد اطمینان از لحاظ آماری معنی‌دار است بنابراین، فرضیه فوق تأیید می‌گردد.

جدول شماره ۹- همبستگی بین متغیر مشارکت اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی

سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی	متغیرها	
		وابسته	مشارکت اجتماعی
وابسته	آگاهی از حقوق شهروندی		

رگرسیون چند متغیره (گام به گام)

در این قسمت سعی داریم که تأثیر تمام متغیرهای مستقل را با هم بر متغیر وابسته بررسی کنیم. برای این منظور از رگرسیون چند متغیره استفاده می‌نماییم. بر اساس جدول شماره ۱۰ برآورد ضرایب رگرسیونی و تعیین مدل به شرح ذیل می‌باشد:

جدول شماره ۱۰- ضرایب رگرسیونی

نام متغیر	ضریب B	ضریب بتا	T	سطح معنی داری
رسانه‌های جمعی	۱/۱۵۱	۰/۴۶۱	۴/۴۸	۰/۰۰۰
حقوق مدنی	۰/۲۳۸	۰/۱۹۶	۳/۰۱	۰/۰۰۱
حقوق اجتماعی	۰/۴۰۱	۰/۲۷۶	۲/۰۸	۰/۰۰۲
حقوق سیاسی	۰/۰۰۵	۰/۳۶۵	۲/۴۵	۰/۰۰۰
مشارکت اجتماعی	۱/۱۰۱	۰/۳۸۵	۱/۶۹	۰/۰۰۱
$R^2=۰/۲۰۵$		$R=۰/۳۵۲$		

نتیجه‌گیری

در هر جامعه‌ای مردم با آگاهی از مؤلفه‌های حقوق و تکالیف خود می‌دانند که باید در مورد کدام یک از مطالبات خود از مجریان قانون پاسخ بخواهند و در مقابل برای دستیابی حقوق خود باید چه وظایفی را انجام دهند. این حقوق به درستی انجام نمی‌شود مگر اینکه افراد جامعه به وظایف و تکالیف و جایگاه خود به عنوان عضوی از جامعه آگاه باشند و همچنین شناخت کافی از وظایف دولت در تمام عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... داشته باشد. در این راستا پژوهش حاضر که به منظور بررسی عوامل مؤثر بر آگاهی شهروندان از مفهوم حقوق شهروندی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر خورموج انجام شده است، پس از طی مراحل مقدماتی و مرور مبانی نظری تحقیق سپس فرضیات آن تدوین گردید و سپس اطلاعات مورد نیاز جهت آزمون این فرضیات از طریق پرسشنامه جمع‌آوری گردید و با استفاده از روش‌های آماری مانند ضریب همبستگی پیرسون، آزمون t و تحلیل واریانس یک طرفه بررسی و تحلیل شدند که نتایج آن به شرح زیر می‌باشد:

✓ در بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای و آگاهی از مفهوم حقوق شهروندی همبستگی مشاهده نشده است یعنی در جنسیت در مذکر و مؤنث بودن تفاوت چندانی نیست و در گزاره تحصیلات هم با بالا رفتن سطح سواد چندان تغییرات محسوسی در میزان آگاهی مشاهده نشده است، سن و وضعیت تأهل نیز همین وضعیت را دارد برخی پژوهش‌های انجام شده در این زمینه از جمله

هزارجریبی (۱۳۹۰) که مسأله جنسیت را مطرح کرده این گونه بیان نموده که وضعیت زنان در زمینه‌ی حقوق شهروندی نامساعد است. محمدی و تبریزی (۱۳۹۰) میزان تحصیلات دانشگاهی را بر این شاخص مؤثر نمی‌دانند. در ضمن کلدی و پوردهناد وضعیت زنان در زمینه حقوق شهروندی را نامساعد می‌دانند. محمدی و تبریزی (۱۳۹۰) میزان تحصیلات دانشگاهی را بر این شاخص مؤثر نمی‌دانند. در ضمن کلدی و پوردهناد (۱۳۹۱) در مطالعه شان بین محل تولد و سکونت افراد و میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد ولی بین متغیری مانند جنسیت رابطه‌ای ضعیفی وجود دارد.

✓ در بررسی رابطه بین متغیرهای رسانه‌های جمعی و آگاهی از مفهوم حقوق شهروندی همبستگی وجود دارد و این معنای تأثیرگذار بوده است. گسترش فضای رسانه‌های جمعی، اینترنت و فضای مجازی موج ارتباطات را در حال حاضر فراگیر نموده‌اند؛ در این راستا فعال کردن این فضا در زمینه آگاهی بخشیدن به افراد مهم است. این فرضیه پژوهش حاضر با پژوهش شارع پور و شعبانی (۱۳۹۵) در تحلیل جامعه‌شناختی از میزان آگاهی شهروندی شهروندان نسبت به امور شهری که از تأثیرگذاری رسانه‌های جمعی صحبت کرده؛ هم‌خوانی دارد.

✓ در بررسی رابطه بین متغیرهای حقوق مدنی و آگاهی از مفهوم حقوق شهروندی همبستگی گزارش شده است. استیناف حقوق افراد از مؤلفه‌های اساسی اجتماع امروزی جزء حقوق مدنی است و لذا اهمیت این حقوق را دوچندان کرده است.

✓ در بررسی رابطه بین متغیرهای حقوق اجتماعی و آگاهی از مفهوم حقوق شهروندی همبستگی مشاهده شده است. این گزاره از مؤلفه‌های اساسی شهروندی محسوب می‌شود و در رابطه با عدالت اجتماعی می‌باشد؛ همچنین مربوط به سیاست‌گذاری‌هایی است که تأثیر مستقیم بر افراد جامعه دارد؛ تساوی افراد در برخورداری از مزایای شهروندی جزء حیاتی عدالت اجتماعی است که سیاست‌گذاران آن را تدوین و اجرا می‌کنند. نتیجه این پژوهش با تحقیقات برون و کریستینسن (۲۰۰۹)، با عنوان سیاست‌گذاری‌های شهری و حق نسبت به شهر همسو می‌باشد.

✓ در بررسی رابطه بین متغیرهای حقوق سیاسی و آگاهی از مفهوم حقوق شهروندی همبستگی مشاهده شده است. در دموکراسی جوامع امروزی حقوق سیاسی از اهمیت شایانی برخوردار است و می‌توان گفت هیچ جامعه‌ای بدون داشتن آن دموکراتیک شناخته نمی‌شود. حق شرکت در فرایند سیاسی کشور و اعتراض نسبت به شرایط جامعه از اساسی‌ترین گزاره‌های شهروند مسئول نسبت به جامعه می‌باشد. این فرضیه با پژوهش بابوک (۲۰۰۳)، با عنوان شهروندسازی و همچنین تحقیق کافه ولیه (۲۰۰۹) هنجاری شهروندی در اروپای شرقی تا حدی هم‌خوانی دارد ولی فضای تحقیق از نظر سیاست حاکمیتی متفاوت است.

✓ در بررسی رابطه بین متغیرهای مشارکت اجتماعی و آگاهی از مفهوم حقوق شهروندی همبستگی گزارش شده است. در این متغیر نقش افراد در اجتماع پیرامونی خود که رابطه مستقیم با عملکرد مسئولین دارد به وضوح دیده می‌شود و قدرت تصمیم‌گیری آن‌ها مشروط بر آگاهی از حقوق و وظایف عنوان شده و نتیجه این فرضیه با پژوهش بابوک (۲۰۰۳)، با عنوان شهروندسازی که به پیامدهای سیاسی شهروندی در سطح دولت-ملت توجه کرده و توان مشارکت شهروندان برای تصمیم‌گیری را بیان نموده؛ همسوی دارد.

منابع

- توسلی، غلام‌عباس، نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۳). واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۲، ص ۳۲-۶۲.
- سام‌آرام و برزگر پاریزی (۱۳۹۵). بررسی احساس بر خورداری از حقوق شهروندی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در بین جوانان ۲۹ - ۱۵ ساله شهر سیرجان. مجله برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره ۷، شماره ۲۷، ص ۷۵ تا ۱۱۶.
- صداقت، کامران (۱۳۸۴). بررسی عوامل فرهنگی-اجتماعی مؤثر بر قانون‌گرایی و قانون‌گریزی شهروندان شهر تبریز. پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
- شارع‌پور، محمد و شعبانی، رضا (۱۳۹۵). تحلیل جامعه‌شناختی از میزان آگاهی شهروندی شهروندان نسبت به امور شهری. مجله توسعه اجتماعی، دوره دهم، شماره ۳، ص ۲۹ تا ۶۶.
- شهریار، ابوالقاسم، خلیلی، محمد و اکبری، حسین (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر بر آگاهی از حقوق اساسی نمونه پژوهشی: دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد. فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، شماره سوم، صص ۱۶۸-۱۴۷.
- شیان، ملیحه (۱۳۸۴). شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی. فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۸.
- شیان، ملیحه (۱۳۸۱). تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان. مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۵). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران.
- ذکائی، محمد سعید (۱۳۸۰). اخلاق شهروندی، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران. تهران: موسسه نشر کلمه، شماره ۵.
- کلدی، علیرضا و پوردهناد، نگار (۱۳۹۱). بررسی میزان آگاهی و نگرش دانشجویان نسبت به حقوق شهروندی در تهران. مطالعات شهری، دوره ۲، شماره ۴، ص ۲۵ تا ۵۷.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- محمدی، جمال و تبریزی، نازنین (۱۳۹۰). سنجش میزان آگاهی‌های عمومی به حقوق شهروندی و قوانین شهری. جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، شماره اول، ص ۱۷۵ تا ۱۹۰.
- نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۰). شهروندی نوزادی نوپاست. مجله فرهنگ و پژوهش، شماره ۱۸.

- Banks, J. A. (2008). *Diversity, group identity, and citizenship education in a global age*. Educational researcher, 37(3), 129-139.
- Baubock, Rainer. (2003). *Reinventing urban citizenship*. *Citizenship Studies*. Vol. 7. No. 2. PP. 139- 160.
- Brown, Alison and Annali Kristiansen. (2009). *Urban Politics & the Right to the City: Rights. Responsibilities and Citizenship*. Habitat. Denmark. UNESCO
- Coffee, Hild & Van der Lippe, Tanja (2009). *Citizenship norms in Eastern Europe*. Springer

